

اثر محلول پاشی ترکیبات شیمیایی تسریع کننده رسیدگی بر عملکرد، کیفیت و رسیدگی تکنولوژیک

نیشکر (*Saccharum officinarum* L.)

Effect of chemical ripeners application on yield, quality and technological ripening of sugarcane (*Saccharum officinarum* L.)

عزیز کرملاجعب^۱، عبدالمهدی بخشنده^۲، محمدرضا مرادی تلاوت^۳، فواد مرادی^۴
و محمود شمیلی^۵

چکیده

کرملاجعب، ع. ع. بخشنده، م. ر. مرادی تلاوت، ف. مرادی و م. شمیلی. ۱۳۹۴. اثر محلول پاشی ترکیبات شیمیایی تسریع کننده رسیدگی بر عملکرد، کیفیت و رسیدگی تکنولوژیک نیشکر (*Saccharum officinarum* L.). مجله علوم زراعی ایران. ۱۷(۱): ۶۳-۷۳.

رسیدگی تکنولوژیک نیشکر در درجه حرارت و تابش پایین صورت می گیرد. در خوزستان این موضوع در آذر ماه و مصادف با شروع بارش های زمستان است که عملیات برداشت را مختل می نماید، بنابراین جهت برداشت زودهنگام از روش شیمیایی تسریع در رسیدگی استفاده می شود. به منظور بررسی اثر تسریع کننده های شیمیایی رسیدگی بر عملکرد و رسیدگی نیشکر، آزمایشی در شرکت توسعه نیشکر استان خوزستان در سال های زراعی ۹۳-۱۳۹۲ و ۹۴-۱۳۹۳ در واریته CP57-614 به صورت طرح بلوک های کامل تصادفی با چهار تکرار اجرا گردید. در این آزمایش سه نوع تسریع کننده شیمیایی رسیدگی شامل هورمون اتترل، علف کش گلایفوزیت و تنظیم کننده رشد فیتوماس ام و از هر کدام چهار سطح (۰/۵، ۱، ۱/۵ و ۲ لیتر در هکتار) همراه با شاهد (بدون محلول پاشی) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که مقادیر مختلف گلایفوزیت باعث کاهش ارتفاع ساقه، درصد قند اینورت و عملکرد نی و افزایش درصد بریکس، پل، شکر قابل استحصال و الیاف ساقه نسبت به شاهد شد، اما میزان افزایش عملکرد کیفی بیش از کاهش عملکرد کمی بود. محلول پاشی هورمون اتترل نیز بدون کاهش در عملکرد کمی صفات ذکر شده، باعث افزایش درصد پل و شکر قابل استحصال گردید. تنظیم کننده رشد فیتوماس نیز بدون افزایش عملکرد کمی، منجر به کاهش میزان قند محصول شد. بیشترین و کمترین مقدار شکر قابل استحصال به ترتیب از تیمارهای ۱/۵ لیتر گلایفوزیت (۱۲/۴۳ درصد) و ۱/۵ لیتر فیتوماس (۱۰/۳۸ درصد) حاصل شد و در تیمار شاهد معادل ۱۱/۰۷ درصد بود. بر اساس نتایج بدست آمده، محلول پاشی یک لیتر گلایفوزیت، به دلیل کاهش هشت درصدی عملکرد نی و افزایش ۱۰/۶ درصدی شکر قابل استحصال و افزایش شاخص برداشت نسبت به شاهد و محلول پاشی ۱/۵ لیتر اتترل به دلیل افزایش ۵/۶ درصدی پل، بهترین تیمارهای این آزمایش شناخته شدند.

واژه های کلیدی: اتترل، بریکس، پل، قند اینورت، فیتوماس ام و نیشکر.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نگارنده اول می باشد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان (مکاتبه کننده) (پست الکترونیک: azizchaab@gmail.com)

۲- استاد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۳- استادیار دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۴- استادیار مؤسسه تحقیقات بیوتکنولوژی کشاورزی ایران

۵- مدیر بخش به زراعی مؤسسه تحقیقات و آموزش توسعه نیشکر و صنایع جانبی

مقدمه

نیشکر گیاهی است که در مرحله رسیدگی با هدف تولید شکر برداشت و رسیدگی آن از سه جنبه فیزیولوژیک، تکنولوژیک و اقتصادی تعریف می شود. رسیدگی فیزیولوژیک عبارت از تولید گل، باروری و تشکیل بذر، رسیدگی تکنولوژیک عبارت از رسیدن به حداکثر تولید و ذخیره قند ساکارز در ساقه و رسیدگی اقتصادی به مرحله ای اطلاق می شود که میزان قند ساکارز حداقل حدود ۱۳ درصد وزن تر ساقه را تشکیل بدهد (Silva and Caputo, 2012). مهم ترین عامل طبیعی تأثیرگذار بر رسیدگی تکنولوژیکی نیشکر، کاهش دمای محیط است. در صورتی که دمای هوا بیش از ۱۲ درجه سانتی گراد باشد، قند ساکارز گیاه به حد قابل قبول نمی رسد و دلیل آن ادامه رشد گیاه و بالا بودن قندهای گلوکز و فروکتوز است. جهت برداشت محصول قبل از وقوع تنش سرما و بارندگی و افزایش قند گیاه، لازم است که از مواد شیمیایی خاصی که رشد رویشی را کند و فرآیند تجمع قند را افزایش دهند، استفاده شوند (Cardozo and Sentelhas, 2013). تسریع کننده های شیمیایی رسیدگی (Chemical ripeners) مواد مصنوعی مختلفی هستند که برای افزایش میزان قند در گیاهانی مانند نیشکر، انگور و هندوانه استفاده شده و از مهم ترین و پرمصرف ترین این مواد اترل (اتفون)، گلایفوزیت و مودوس (Moddus: Trinexapac-ethyl) است (McDonald et al., 2000). اترل هورمونی است که از طریق تأثیر بر فعالیت آنزیم های ساکارز سینتاز و اینورتاز منجر به تسریع تبدیل قند اینورت به ساکارز می شود. خانواده مودوس نیز دارای انواع مختلف تسریع کننده رسیدگی است و از طریق کاهش سنتز جیبرلیک اسید و افزایش تولید گاز اتیلن، باعث کند شدن رشد و افزایش تجمع قند قبل از زمان طبیعی آن می گردد (Guimaraes et al., 2005). در سال ۱۹۷۵ استفاده از گلایفوزیت به عنوان تسریع کننده رسیدگی

نیشکر در آرژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا به ثبت رسید. این ترکیب (به عنوان علف کش) از لحاظ فیزیولوژیک، یک نوع مهار کننده سنتز اسید آمینه بوده که باعث به هم خوردن مسیر شیکیمات می گردد. این علف کش مانع از اتصال آنزیم ۵-انول پیروویل شیکیمات ۳-فسفات سینتاز به فسفو انول پیروات می گردد که در نیشکر از طریق غلاف برگ به مناطق مرستمی در حال رشد انتقال یافته و باعث توقف رشد آن ها می شود (Baylis, 2000).

استفاده از مواد شیمیایی برای افزایش محتوای ساکارز در میانگروه ها در زمان رسیدگی تکنولوژیک، توجه بسیاری از محققان را در مناطق نیشکر خیز جهان به خود جلب کرده است و کاربرد آن در بسیاری مناطق مرسوم بوده و یکی از عملیات مدیریتی قبل از برداشت محسوب می شود. در آزمایشی یک لیتر اترل (۳۹ درصد ماده مؤثره) و یک لیتر گلایفوزیت (۴۱ درصد ماده مؤثره) روی دو واریته تجاری نیشکر در هند مورد بررسی قرار گرفته و گزارش شد که هر دو ماده باعث افزایش میزان قند گیاه شده و افزایش ناشی از تیمار گلایفوزیت بیشتر بود، اما در مقابل باعث کاهش اندک عملکرد نی نیز شد (Kirubakaran et al., 2013). در آزمایشی در آمریکا حدود پنج هفته بعد از مصرف نیم کیلوگرم ماده مؤثره گلایفوزیت در هکتار روی واریته CI 54-378، ارتفاع نهایی بوته ۲۸/۷ سانتی متر کمتر از شاهد شد و مقدار ساکارز، شکر قابل استخراج و عملکرد آن نیز به ترتیب ۱/۰۱، ۱/۷۹ و ۰/۷۹ درصد افزایش یافت (McCatty, 1980). گیماریس و همکاران (Guimaraes et al., 2005) با محلول پاشی حدود دو لیتر در هکتار مودوس روی واریته SP81-3250 نیشکر در برزیل گزارش نمودند که اجرای محلول پاشی ۶۰ روز بعد، باعث افزایش درصد قند گیاه و قند قابل استحصال شد، اما اثر معنی داری بر میزان الیاف ساقه و عملکرد نی در واحد سطح نداشت. البته با توجه به نوع

می‌افتد، اما برداشت در سطح وسیع هر ساله در اواخر مهر ماه و با درصد قند پایین شروع می‌شود (Anonymous, 2014). با توجه به سطح زیر کشت زیاد نیشکر در استان خوزستان و عدم استفاده از مواد شیمیایی تسریع کننده رسیدگی تا کنون، این آزمایش با هدف تعیین اثر سه نوع تسریع کننده رسیدگی با مقادیر متفاوت بر عملکرد کمی و کیفی واریته زودرس CP57-614 نیشکر و بررسی امکان برداشت زود هنگام محصول با میزان قند قابل قبول طراحی و اجرا گردید.

و غلظت تسریع کننده رسیدگی، واریته و سن گیاه، شرایط محیطی و نحوه محلول پاشی، نتایج متفاوتی تا کنون گزارش شده است.

استان خوزستان یکی از مراکز مهم تولید نیشکر در جهان بوده و میزان تولید نی آن در واحد سطح بیش از میانگین جهانی است (FAO, 2013). وقوع تنش سرما برای نیشکر تقریباً همزمان با شروع بارندگی‌ها در اواخر آذر ماه (جدول ۱) که برداشت نیشکر را در شرکت توسعه نیشکر واقع در استان خوزستان با مشکل مواجه می‌کنند، اتفاق

جدول ۱- میانگین درجه حرارت، بارندگی سالانه، زمان رسیدگی تکنولوژیکی و برداشت نیشکر در کشت و صنعت امام خمینی (ره)، شوشتر

Table 1. Mean of temperature, rainfall, technological ripening and harvest time in Imam Khomeini agro-industry, Shooshtar, Iran

شرایط اقلیمی	Months											
Climatic condition	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12
درجه حرارت Temperature (°C)	22.2	29.8	33.7	37.5	36.2	33.5	27.9	18.1	11.1	9.6	11.7	18.4
بارندگی Rainfall (mm)	21.7	23.1	0	0	0	0	16.1	28.3	45.2	34.3	26.3	41.3
رسیدگی نیشکر Sugarcane ripening									x	x	x	x
زمان برداشت Harvest time								x	x	x	x	x

مواد و روش‌ها

به منظور بررسی اثر سه نوع تسریع کننده شیمیایی رسیدگی بر صفات کیفی و عملکرد نیشکر و میزان قند آن در برداشت اقتصادی زود هنگام، آزمایشی در سال‌های زراعی ۹۳-۱۳۹۲ و ۹۴-۱۳۹۳ در شرکت توسعه نیشکر استان خوزستان، کشت و صنعت واحد امام خمینی (ره) واقع در اراضی شعبیه در ۴۰ کیلومتری جنوب شوشتر با طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۴۴ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۴۴ دقیقه و ارتفاع ۲۴ متر از سطح دریا به صورت بلوک‌های کامل تصادفی با چهار تکرار اجرا گردید. تیمارهای آزمایش شامل اترل (۷۲ درصد ماده مؤثره)، مودوس

یا فیتوماس ام (Fitomas M) (۳۵ درصد ماده مؤثره) و گلایفوزیت (۶۲ درصد ماده مؤثره) بودند که از هر کدام به مقادیر ۰/۵، ۱، ۱/۵ و ۲ لیتر ماده تجاری در هکتار در ۳۰۰ لیتر آب مخلوط و در یک نوبت در انتهای مرحله طویل شدن ساقه، روی بوته‌های نیشکر محلول پاشی شدند (Guimaraes et al., 2005; Kirubakaran et al., 2013). این تیمارها همراه با شاهد (عدم محلول پاشی) مورد بررسی قرار گرفتند. از واریته CP57-614 بازویی اول به عنوان زودرس ترین واریته صنعت نیشکر در خوزستان استفاده شد. کرت‌های مورد نظر بعد از ۱۰ ماه رشد رویشی، در ۱۵ شهریور ۱۳۹۳ محلول پاشی و در

۲۰ آبان برداشت شدند. آزمایش شامل ۵۲ کرت که هر کرت به طول ۱۰ متر و عرض شش فاروی ۱۸۳ سانتی متری با دو خط کشت روی هر فارو بود. فاروها از شرق به غرب و مزرعه از یکنواختی نسبی بالای بر خوردار بودند. نتایج تجزیه فیزیکی شیمیایی خاک مزرعه و آب آبیاری در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تجزیه فیزیکی و شیمیایی خاک مزرعه و آب آبیاری محل اجرای آزمایش

Table 2. Physical and chemical characteristics of soil and water of experiment site

عمق خاک Soil depth (cm)	EC (dS.m ⁻¹)	pH	ماده آلی OM (%)	کلسیم Ca ⁺²	منیزیم Mg ⁺²	پتاسیم K ⁺	کلر Cl ⁻	نیتروژن N	فسفر P	بافت خاک Soil texture
0-30	2.91	7.23	0.71	9.3	14.6	0.183	10.8	680	10.52	Silty-Clay
30-60	3.75	7.76	0.60	12.5	15.9	0.157	11.3	541	9.04	رسی Clay
60-90	4.34	8.04	0.41	18.7	18.4	0.142	12.1	483	8.43	رسی Clay
Water	2.21	7.68	-	7.41	12.08	0.052	7.2	-	-	-

توسعه یافته اندازه گیری و جهت تجزیه کیفی برداشت و در نهایت عملکرد نی از دو خط میانی و به مساحت ده متر مربع به دست آمد (Clements, 1980).

عصاره ۲۰ نی از هر کرت با استفاده از دستگاه سه غلطکی Cuban Mille استخراج و پس از صاف نمودن ۵۰ میلی لیتر از آن با استفاده از کاغذ صافی واتمن ۴۰، درصد بریکس (مقدار مواد جامد محلول) آن با استفاده از دستگاه رفاکتومتر (Schmidt, Dur-Sw, Schmi, Schmidt, Canada) با دقت ۰/۰۱ درصد قرائت گردید. سپس ۱/۵ گرم استات سرب قلیایی دوظرفیتی با سه مولکول آب به ۱۰۰ میلی لیتر عصاره اضافه و پس از مخلوط و صاف کردن، درصد پل (قندهای راست گرد) با استفاده از پلاریمتر (Schmidt, Saccharomat Nir W₂ Schmidt, Canada) با دقت ۰/۰۱ درصد اندازه گیری شد. درصد بریکس و پل ساقه بر اساس روش های مرسوم در صنعت نیشکر بلافاصله بعد از برداشت، با دقت و تکرار نمونه ها اندازه گیری شدند (ICUMSA, 1999).

درصد قند اینورت عصاره نی به روش تیتراسیون با استفاده از دو محلول فهلینگ و براساس روش پیشنهادی رین (Rein, 2007) اندازه گیری شد. از دو محلول استاندارد که شامل فهلینگ A (سولفات مس) و

تهیه زمین بر اساس روش مرسوم در شرکت توسعه نیشکر که شامل آبیاری اولیه، زیرشکنی به عمق ۹۰ سانتی متر، دیسک، تسطیح لیزری و ایجاد فاروها و کشت با تراکم حدود ۴ قلمه ساقه ۵۰ سانتی متری در هر متر مربع انجام شد. آبیاری با استفاده از هیدروفلوم بر اساس نیاز گیاه با فاصله های یک تا دو هفته، بسته به شرایط محیطی، انجام گردید. کودهای شیمیایی بر اساس نتایج تجزیه خاک، نیاز گیاه و عملکرد مورد انتظار، شامل ۱۸۰ کیلوگرم نیتروژن در هکتار (از منبع اوره) و به همین مقدار سوپرفسفات تریپل مصرف گردید. کود اوره در ۵ و ۶ ماه بعد از رشد به صورت سرک تقسیط شده و کود سوپرفسفات تریپل در زمان کشت پخش و با خاک مخلوط گردید. مقدار ۱/۵ لیتر در هکتار توفوردی و دو لیتر در هکتار رانداپ (به صورت کنترل شده تنها در کف فاروها) جهت مبارزه با علف های هرز (به ترتیب پهن برگ و باریک برگ) در اسفند ماه ۱۳۹۲ استفاده شد. دوره رشد گیاه از زمان کاشت تا رسیدگی تکنولوژیکی (براساس میزان ساکارز حداقل ۱۳ درصد وزن تر ساقه)، به عنوان روز تا رسیدگی (Silva and Caputo, 2012) محاسبه و در زمان برداشت، ارتفاع ۲۰ بوته از هر کرت، از سطح زمین تا گوشوارک بالاترین برگ سبز

فهلینگ B (سدیم-پتاسیم تارتارات و سود) بودند استفاده شد. از هر کدام از این محلول ها پنج میلی لیتر در ظرف ارلن ریخته و همراه با هشت میلی لیتر از عصاره صاف شده به مدت ۱۰۰ ثانیه جوشانده شد. سپس چهار میلی لیتر متیلن بلو به آن اضافه گردید و رنگ محلول کاملاً آبی شد. عمل تیتراسیون در مدت یک دقیقه تا زمان تغییر رنگ محلول به قرمز آجری انجام و با توجه به میزان شربت مصرفی در بورت، میزان قند اینورت بر اساس جداول استاندارد موجود، به دست آمد. برای اندازه گیری میزان الیاف نی، مقدار یک کیلو نی کاملاً خرد و بریکس آن قرائت شد و ۱۰۰ گرم از آن جدا و به مدت چهار ساعت در دمای ۷۵ درجه سانتی گراد خشکانده شد. مقدار بریکس قرائت شده از ماده خشک نمونه کسر و باقی مانده آن به عنوان الیاف گیاهی ثبت شد (ICUMSA, 1999).

کلیه محاسبات آماری با استفاده از نرم افزار SAS 9.2 انجام گرفت و برای مقایسه میانگین ها از آزمون حداقل تفاوت معنی دار (LSD) استفاده گردید. با توجه به مدیریت یکپارچه و سطح وسیع مزارع نیشکر، حصول کمترین درصد تفاوت در تیمارها از نظر کیفی، در مزارع وسیع قابل توجه بوده و به دلیل نوسانات زیاد عملکرد نی، میانگین ها در سطح احتمال خطای یک و پنج درصد مقایسه شدند (Snedecor and Cochran, 1980; Zamora and Rosario, 1981).

نتایج و بحث

یکی از شاخص های مهم در برنامه واقع نگاری گیاهی (Crop Logging) صنعت نیشکر، ارتفاع ساقه است و در انجام مدیریت های مختلف از آن استفاده می گردد. نتایج تجزیه واریانس محلول پاشی تسریع کننده های رسیدگی نشان داد که ارتفاع ساقه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد تحت تأثیر مصرف این مواد قرار گرفت. نتایج مقایسه میانگین ها نیز نشان داد که بیشترین (۲۴۷ سانتی متر) و کمترین (۲۳۱ سانتی متر)

ارتفاع ساقه از بیشترین مقادیر تیمارهای محلول پاشی (به ترتیب فیتوماس و گلایفوزیت) حاصل شد. تمام سطوح هورمون اتراثر معنی داری از نظر ارتفاع ساقه با شاهد نداشتند، اما مقادیر ۱/۵ و ۲ لیتر فیتوماس باعث افزایش ارتفاع نسبت به شاهد گردید. بیشترین تفاوت بین سطوح مختلف هر تسریع کننده رسیدگی از گلایفوزیت حاصل شد، به طوری که محلول پاشی ۲ لیتر در هکتار گلایفوزیت باعث کاهش ۵ درصدی ارتفاع نسبت به شاهد و ۳/۲ درصدی نسبت به کمترین مقدار این ماده گردید (جدول ۳). گلایفوزیت به عنوان یک علف کش سیستمیک مصرف می شود و در نیشکر با غلظت کم، جهت کند کردن رشد رویشی بدون از بین رفتن گیاه و نوعی شوک فیزیولوژیکی برای تسریع فرایند قندسازی مورد استفاده قرار می گیرد (Dalley and Richard, 2010) و به علاوه باعث از بین رفتن مناطق رشد سریع گیاه از جمله مریستم انتهایی می شود (Abo El-Hamd et al., 2013). نتایج نشان داد که دو تا سه هفته پس از محلول پاشی گلایفوزیت، مریستم انتهایی گیاه از بین رفته و جوانه های جانبی تحریک شدند. اتراثر یک هورمون گیاهی بوده و محلول پاشی تأثیری بر ارتفاع ساقه نداشت، اما فیتوماس به دلیل دارا بودن برخی عناصر غذایی مانند نیتروژن، فسفر و پتاسیم (به ترتیب ۹، ۱۲ و ۱۲ درصد)، نه تنها مانع کند شدن رشد نشد، بلکه رشد رویشی را افزایش داد.

محلول پاشی گلایفوزیت باعث افزایش درصد بریکس و پل ساقه نیشکر شد، به طوری که بیشترین این دو صفت از مقادیر ۱/۵ و ۲ لیتر گلایفوزیت حاصل شد و با سایر تیمارهای مورد بررسی تفاوت معنی داری در سطح احتمال یک درصد داشت. محلول پاشی یک لیتر گلایفوزیت در هکتار منجر به افزایش ۸/۲ و ۹/۶ درصد (به ترتیب بریکس و پل) نسبت به شاهد شد و این مقدار تفاوتی با محلول پاشی ۱/۵ و ۲ لیتر نداشت. کمترین درصد قند اینورت از محلول پاشی گلایفوزیت

به دست آمد (جدول ۳). بر اساس پیشنهاد مور و بوثا (Moore and Botha, 2014)، در صورت تداوم رشد رویشی، بیشترین درصد قند اینورت که شامل گلوکز و فروکتوز است، در میانگروه های بالای ساقه انباشته شده و در صورت توقف رشد، این قند به ساکارز تبدیل و به صورت افزایش در میزان پل نمایان می شود. با توجه به این موضوع، افزایش بریکس و پل ساقه را می توان به توقف رشد در اثر از بین رفتن مریستم انتهایی، سبز ماندن برگ ها و تبدیل قندها نسبت داد.

محلول پاشی مقادیر ۱/۵ و ۲ لیتر اترل با ضریب اطمینان ۹۵ درصد مقدار بریکس و ۹۹ درصد، پل ساقه را نسبت به شاهد افزایش داد، اما تمام مقادیر مورد آزمایش آن اثر معنی داری بر درصد قند اینورت نداشتند، بنابراین اترل بدون کاهش ارتفاع ساقه و قند اینورت، درصد بریکس و پل را افزایش داد. به نظر می رسد که این هورمون باعث افزایش تولید کل قندها و نه تبدیل قندها به یکدیگر می شود. فیتوماس تأثیر زیادی روی بریکس ساقه نداشت و تنها سطوح بالای آن باعث افزایش اندکی در بریکس و پل ساقه گردید، لیکن به موازات آن درصد قند اینورت افزایش بسیاری زیادی داشت. به نظر می رسد که علت افزایش قند اینورت به تداوم رشد رویشی و افزایش ارتفاع ساقه ارتباط دارد. با محلول پاشی این تنظیم کننده رشد، قند ساخته شده بیشتر به صوت گلوکز و فروکتوز ذخیره می شود، به طوری که افزایش قند اینورت در اثر محلول پاشی دو لیتر فیتوماس حدود ۱/۹۶ برابر شاهد و ۳/۷۴ برابر تیمار دو لیتر گلایفوزیت بود (جدول ۳).

درصد شکر قابل استحصال از مهم ترین شاخص های اقتصادی مورد توجه در صنعت نیشکر بوده و کم ترین تغییر در مقدار آن، در سطح وسیع می تواند چشمگیر باشد. در این آزمایش در اثر محلول پاشی گلایفوزیت، درصد شکر قابل استحصال افزایش و در اثر محلول پاشی اترل بدون تغییر بود، در حالیکه محلول پاشی فیتوماس باعث کاهش آن گردید. نتایج

نشان داد که تمام سطوح گلایفوزیت باعث افزایش و مقادیر ۱/۵ و ۲ لیتر در هکتار فیتوماس باعث کاهش شکر قابل استحصال گردید. البته دو سطح بالای اترل و فیتوماس به ترتیب منجر به افزایش و کاهش شکر قابل استحصال نسبت به شاهد شدند.

بیشترین درصد شکر قابل استحصال از تیمار محلول پاشی ۱/۵ لیتر گلایفوزیت به مقدار ۱۲/۴۳ درصد (۱۲/۳ درصد بیشتر از شاهد) و کم ترین مقدار آن از تیمار دو لیتر فیتوماس به مقدار ۱۰/۳۲ درصد (۶/۸ درصد کاهش نسبت به شاهد) بدست آمد. باید به این نکته توجه داشت که با افزایش ارتفاع ساقه، میزان شکر قابل استحصال (نه مقدار شکر در واحد سطح) کاهش می یابد. لونتوم و همکاران (Lontom et al., 2008) گزارش کردند که در ساقه های با ارتفاع زیاد، تعداد و طول میانگروه های بالایی فعال و در حال رشد زیادتر بوده و این میانگروه ها بیشترین مقدار قند اینورت را دارا بوده و از این نظر دارای رابطه معکوس با خلوص عصاره ساقه و رابطه مستقیم با میزان گلوکز و فروکتوز می باشد.

میزان الیاف ساقه یکی از عواملی است که استخراج عصاره نی را کاهش می دهد، اما تغییرات آن در مقایسه با تغییرات میزان قند، چندان مورد توجه نیست. در این آزمایش مشخص شد که محلول پاشی ۱، ۱/۵ و ۲ لیتر گلایفوزیت در هکتار در سطح احتمال پنج درصد و دو مقدار ۱/۵ و ۲ لیتر آن در سطح احتمال یک درصد، باعث افزایش معنی دار میزان الیاف ساقه نسبت به شاهد گردید، اما سایر تیمارهای آزمایشی اثر معنی داری بر این شاخص نداشتند. مشاهدات عینی در تیمارهای محلول پاشی گلایفوزیت نشان داد که انتهای ساقه خشبی و تا حدود رنگ آن از سبز به زرد تغییر یافت که این موضوع احتمالاً باعث افزایش میزان الیاف ساقه شده است. عملکرد نی از شاخص های اولیه اقتصادی مورد توجه است. اما آنچه مهم است عملکرد نی تنها کمیت تولید را نشان می دهد و مهم تر از آن کیفیت یا

" اثر محلول پاشی ترکیبات شیمیایی تسریع کننده..."

جدول ۳- مقایسه میانگین اثر محلول پاشی تسریع کننده های شیمیایی رسیدگی بر صفات کمی و کیفی نیشکر واریته CP57-614

Table 3. Means comparison of quantitative and qualitative traits of sugarcane (Var. CP57-614) in chemical ripeners treatments application

تیمارهای آزمایشی Treatments	ارتفاع ساقه Stem length (cm)	بریکس Brix (% of juice)	پل Pol (% of juice)	قند اینورت Invert sugar (% of juice)	شکر قابل استحصال Recoverable sugar (% of cane)	الیاف Fiber (% of cane)	عملکردنی Cane yield (ton.ha ⁻¹)	روز تا رسیدگی Days to maturity
G1	def 239.1 fgh	bc 20.70 b	bc 18.86 bc	cd 0.310 d	ab 11.96 bc	bcd 13.35 cd	a-d 76.51 bcd	bcd 355.2 ^{cd}
G2	ef 238.2 gh	ab 21.32 a	ab 19.35 ab	cd 0.297 de	a 12.24 abc	abc 13.75 bc	bcd 74.02 cde	bcd 353.5 ^{cde}
G3	fg 236.3 g	a 21.78 a	a 19.59 a	d 0.212 ef	a 12.43 a	ab 14.54 ab	cd 72.21 de	cd 351.0 ^{de}
G4	g 231.4 i	a 21.44 a	a 19.53 a	d 0.210 f	a 12.39 ab	a 14.76 a	d 70.24 e	d 346.7 ^e
E1	b-e 242.1 cde	de 19.75 de	ef 17.63 de	c 0.380 cd	cd 11.02 de	cd 12.92 c-f	ab 80.98 ab	abc 358.7 ^{bc}
E2	b-f 241.3 cde	d 19.95 cd	de 18.03 d	c 0.362 cd	bc 11.37 d	cd 12.59 def	abc 80.02 abc	abc 359.7 ^{abc}
E3	c-f 240.6 de	cd 20.31 bc	cd 18.65 c	c 0.367 cd	ab 11.89 c	cd 12.62 def	abc 79.24 abc	abc 359.2 ^{abc}
E4	c-f 240.2 def	cd 20.28 bc	cd 18.64 c	c 0.357 cd	ab 11.89 c	cd 13.04 cde	abc 79.19 abc	ab 363.0 ^{ab}
F1	abc 244.6 abc	de 19.74 de	efg 17.49 ef	b 0.532 b	cde 10.90 e	cd 12.53 def	ab 80.89 ab	ab 362.5 ^{ab}
F2	ab 246.1 ab	e 19.31 ef	fgh 17.14 fg	b 0.532 b	de 10.68 ef	cd 12.54 def	ab 81.70 ab	ab 362.5 ^{ab}
F3	a 247.8 a	e 19.29 ef	gh 16.84 g	a 0.712 a	e 10.38 f	d 12.27 ef	ab 81.25 ab	a 365.2 ^{ab}
F4	a 247.7 a	e 19.17 f	h 16.75 g	a 0.785 a	e 10.32 f	d 12.06 f	a 82.93 a	a 366.2 ^a
C	a-d 243.6 bcd	de 19.70 de	ef 17.65 de	c 0.400 c	cd 11.07 de	cd 12.67 def	ab 80.45 ab	abc 358.5 ^{ba}
Mean	241.6	20.12	18.17	0.421	11.43	13.05	78.43	358.6
LSD _{0.01}	5.31	0.63	0.66	0.115	0.59	1.29	8.07	9.52
LSD _{0.05}	3.96	0.47	0.49	0.086	0.44	0.96	6.02	7.10

ترکیبات شیمیایی تسریع کننده رسیدگی به ترتیب G: گلایفوسات، E: اترل F: فیتوماس ام از هر کدام چهار سطح ۰/۵، ۱، ۱/۵ و ۲ لیتر در هکتار و C: شاهد (بدون محلول پاشی)

G: glyphosate, E: ethrel, F: fitomas M ripeners, respectively each one in four levels (0.5, 1, 1.5 and 2 lit.ha⁻¹), C: control (No application)

در هر ستون میانگین هایی که دارای حروف مشترک هستند، بر اساس آزمون حداقل اختلاف معنی دار (LSD) تفاوت معنی داری ندارند. حروف سمت راست و چپ اعداد، به ترتیب نشان دهنده سطوح احتمال پنج و یک درصد هستند

Means in each column followed by similar letter(s) are not significantly different at (right:5% and left:1%) probability levels, using LSD test

درصد قند نی را باید مد نظر قرار داد. عملکرد نی در تیمارهای مورد بررسی تغییرات معنی داری داشت، به طوری که محلول پاشی ۱، ۱/۵ و ۲ لیتر گلایفوزیت در هکتار در سطح احتمال پنج درصد و دو مقدار ۱/۵ و ۲ لیتر آن در سطح احتمال یک درصد، باعث کاهش معنی دار عملکرد نی نسبت به شاهد گردید. این تیمارها باعث کاهش به ترتیب ۸/۰، ۱۰/۲ و ۱۲/۷ درصد عملکرد نی نسبت به شاهد شدند.

نتایج نشان داد که میزان کاهش عملکرد کمتر از میزان افزایش عملکرد کیفی بود. از طرف دیگر، کاهش بوجود آمده در ارتفاع ساقه و درصد قند اینورت، قابل توجه و از لحاظ اقتصادی داری اهمیت فراوان می باشد. در تیمار محلول پاشی دو لیتر گلایفوزیت، بدون افزایش کیفیت ساقه نسبت به تیمار یک لیتر در هکتار، کاهش چشمگیری در ارتفاع و عملکرد نی حاصل شد و این مقدار احتمالاً به جای وارد کردن شوک فیزیولوژیکی، باعث خشک شدن و کاهش وزن گیاه شد. این موضوع با نتایج آزمایش دالی و ریچارد (Dally and Richard, 2010) که گزارش کردند گلایفوزیت به عنوان علف کش عمومی در غلظت توصیه شده باعث به هم خوردن مسیر شیکیمات و توقف سنتز اسیدهای آمینه در مریستم انتهایی و در نتیجه از بین رفتن گیاه و در غلظت های پایین آن باعث کند شدن رشد در مریستم های فعال گیاه می گردد، مطابقت داشت. هیردن پدر (Heerden Pdr, 2012) نیز اعلام کرد که در صورتی که میزان افزایش میزان قند گیاه نیشکر معادل با میزان کاهش عملکرد نی باشد، از لحاظ اقتصادی نیز قابل قبول و به صرفه است.

دوره رشد واریته نیشکر مورد آزمایش بین ۱۰ تا ۱۵ ماه است، و در هر تاریخی که کشت شود (مرداد و شهریور سال قبل)، در اواخر آبان تا اوایل آذر (با توجه به درجه حرارت و مدیریت های زراعی اعمال شده) به مرحله رسیدگی تکنولوژیکی می رسد. در هر صورت هر عامل که باعث رسیدگی زودتر آن شود، امکان

برداشت قبل از بارندگی و بازرویی مجدد را فراهم می نماید. در این آزمایش محلول پاشی فیتوماس باعث افزایش دوره رشد گیاه نسبت به شاهد شد به طوری که بیشترین مقدار این ماده باعث شد که بوته ها حدود ۷/۷ روز دیرتر به مرحله رسیدگی برسند. تمام مقادیر هورمون اتترل باعث افزایش تعداد روز تا رسیدگی بوته های نیشکر شد، اما این اختلاف معنی دار نبود. از طرفی محلول پاشی گلایفوزیت باعث کاهش تعداد روز تا رسیدگی و در نتیجه زودرسی گیاه گردید، به طوری که مقدار ۱/۵ لیتر و مقدار دو لیتر آن باعث کاهش تعداد روز تا رسیدگی (به ترتیب ۷/۵ و ۱۱/۸ روز) شدند (جدول ۳).

نتیجه گیری

نتایج این آزمایش نشان داد که محلول پاشی گلایفوزیت احتمالاً با تأثیر بر مریستم انتهایی ساقه، باعث کند شدن و در نهایت توقف رشد ساقه نیشکر شد، در حالی که برگ های گیاه سبز باقی مانده و این موضوع منجر به افزایش میزان قند در ساقه گردید. بر اساس نظریه لیبراندت (Leibbrandt, 1989) در شرایط مناسب، در صورتی که رشد رویشی نیشکر از جانب مریستم انتهایی به هر دلیلی متوقف شود، فرآیند فتوسنتز و فعالیت آنزیم ها همچنان در برگ های سبز ادامه می یافته و مواد فتوسنتزی به جای مصرف جهت رشد طولی، در ساقه ذخیره و منجر به افزایش عصاره و میزان قند آن می گردد. در محلول پاشی ۰/۵ و ۱ لیتر گلایفوزیت رشد طولی ساقه نیشکر به تدریج کند و سه هفته بعد متوقف گردید و به همین دلیل میزان کاهش عملکرد نی آن کم و قابل توجهی است، اما در مقادیر ۱/۵ و ۲ لیتر، نه تنها شوک فیزیولوژیکی به گیاه وارد شد، بلکه باعث توقف سریع تر رشد (دو هفته بعد از محلول پاشی)، خشک تر شدن ساقه و عدم افزایش زیاد در بریکس و پل ساقه گردید. از این لحاظ مقدار یک لیتر در هکتار گلایفوزیت نتیجه بهتری نسبت به مقادیر

دیگر نشان داد. همچنین این مقدار باعث کاهش پنج روز دوره رشد گیاه نسبت به تیمار شاهد شد، هر چند که این مقدار از لحاظ آماری معنی دار نبود، اما از نظر اجرایی بسیار قابل توجه است. هورمون اترل بدون تأثیر بر ارتفاع ساقه، میزان الیاف، درصد قند اینورت و عملکرد نی باعث افزایش درصد پل و شکر قابل استحصال نسبت به شاهد شد. از بین سطوح مختلف این هورمون، تیمار ۱/۵ لیتر در هکتار به لحاظ اقتصادی بهترین سطح تیماری بود. تنظیم کننده رشد فیتوماس، به دلیل دارا بودن برخی عناصر مانند نیتروژن، رشد گیاه را تحریک و منجر به افزایش ارتفاع آن گردید. این ترکیب بدون تأثیر بر عملکرد کمی گیاه باعث کاهش عملکرد کیفی آن شد و تمام سطوح آن در چنین شرایط و برای واریته مورد آزمایش توجیه اقتصادی ندارد.

به طور کلی تیمار یک لیتر گلایفوزیت از طریق کاهش عملکرد کمی و افزایش عملکرد کیفی، نه تنها دارای سود اقتصادی مستقیم و آشکار، بلکه باعث کاهش هزینه های پنهان در صنعت نیشکر و افزایش سود آن می گردد. با توجه به سطوح کشت وسیع نیشکر و تولید عملکرد بالا، کاهش حمل و نقل نی، افزایش شاخص برداشت شکر و کارایی استخراج عصاره در

کارخانه ها، از هزینه های پنهان آن و از لحاظ اقتصادی بسیار مهم می باشند. هزینه های لازم جهت تهیه مواد شیمیایی مورد استفاده و محلول پاشی آنها معادل قیمت حدود ۳۰ کیلوگرم شکر سفید برآورد شد. به عنوان مثال مقدار شکر سفید در تیمار محلول پاشی یک لیتر گلایفوزیت ۹۰۶۰ کیلوگرم در هکتار (حاصل ضرب شکر قابل استحصال در عملکرد نی) و شکر سفید در تیمار شاهد حدود ۸۹۰۵ کیلوگرم در هکتار به دست آمدند. بر این اساس صرف نظر از اثرات غیر مستقیم (افزایش شاخص برداشت و کارایی استخراج عصاره) در تیمار ذکر شده، صرفه اقتصادی مستقیم معادل قیمت ۱۲۵ کیلوگرم شکر سفید به ازای هر هکتار خواهد بود. بنابراین محلول پاشی یک لیتر گلایفوزیت به دلیل توقف رشد رویشی بدون از بین رفتن گیاه، خشک کردن سر نی که یکی از اهداف برداشت سبز، صرفه اقتصادی و بدون اثرات زیست محیطی (محلول پاشی مقدار یک لیتر روی ۱۰۰ تن ماده بیولوژیکی بدون نفوذ به آب و خاک) و همچنین ۱/۵ لیتر هورمون اترل به دلیل خاصیت افزایش درصد پل ساقه نیشکر، بهترین تیمارهای این آزمایش شناخته شدند.

References

منابع مورد استفاده

- Abo El-Hamd, A. S., M. A. Bakheet and A. F. A. Gadalla. 2013. Effect of chemical ripeners on juice quality, yield and yield components of some sugarcane varieties under the conditions of sohag governorate. American-Eurasian J. Agric. Environ. Sci. 13 (11): 1458-1464.
- Anonymous. 2014. Annual Report of Sugarcane Company. Iranian Sugarcane Research and training institute. Report, <http://www.iscrti.ir/>. (In Persion).
- Baylis, A. D. 2000. Why glyphosate is a global herbicide: strengths, weaknesses and prospects. Pest Manag. Sci. 56: 299-308.
- Cardozo, N. P. and P. C. Sentalhas. 2013. Climatic effects on sugarcane ripening under the influence of cultivars and crop age. Sci. Agric. 70(6):449-456.
- Clements, H. F. 1980. Sugarcane Crop Logging and Control: Principles and Practices. Pitman Publishing

Limited, London, 520 p.

Dalley, C. D and E. P. Richard. 2010. Herbicides as ripeners for sugarcane. *Weed Sci.* 58: 329-333.

FAOSTAT. 2013. World Agriculture Data, <http://apps.fao.org/faostat/>.

Guimaraes, E. R., M. Angelo Mutton, J. M. P. Junior and M. J. Rossini Mutton. 2005. Sugarcane growth, sucrose accumulation and invertase activities under trinexapac-ethyl treatment. *Sci. J. Aboticabal.* 33(1): 20-26.

Heerden Pdr, V. 2012. Evaluation of Moddus as a new chemical ripener for the South African sugar industry: Preliminary findings. *Proc. South Afric. Sugar Technol. Asses.* 85: 193-195.

ICUMSA (International Commission for Uniform Methods in Sugar Analysis). 1999. ICUMSA Methods Book and ICUMSA Supplement, Whalley, H.C.S. (Ed.) Elsevier Publishing Company, Amsterdam, London, New York, 420 p.

Kirubakaran, R., S. Venkataramana and M. S. Mohamed Jaabir. 2013. Effect of Ethrel and Glyphosate on the ripening of sugar cane. *Int. J. Chem. Tech. Res.* 5(4): 1927-1938.

Leibbrandt, N. B. 1989. Chemical ripening responses and recommendations for irrigated NCo376 and N14 in Swaziland. *Proc. South Afric. Sugar Technol, Asses.* 34: 174-180.

Lontom, W., M. Kositrakun and S. E. Lingle. 2008. Relationship of acid invertase activities to sugar content in sugarcane internodes during ripening and after harvest. *Thai. J. Agric. Sci.* 41(3-4): 143-151.

McCatty, T. 1980. A review of sucrose enhancer's trials in Jamaica in 1974-78. *Proc. Int. Soc. Sugar Cane Technol.* 17: 630-643.

McDonald, I., T. Morgan and G. Kingeston. 2000. Chemical ripeners: An opportunity for the Australian sugar industry. *Proc. South Afric. Sugar Technol, Ass.* 22: 290-295.

Moore, P. H. and F. C. Botha. 2014. Sugarcane: Physiology, Biochemistry, and Functional Biology. Publish Wiley Blackwell, 681 p.

Rein, P. 2007. Cane sugar engineering. Verlag Dr. Albert Bartens KG- Berlin, Germany, 768 p.

Silva, M. A. and M. M. Caputo. 2012. Ripening and the use of ripeners for better sugarcane management. *Bragantia*, 66(4): 545-552.

Snedecor, G. W. and G. W. Cochran. 1980. Statistical Methods, (7th Ed). The Iowa State University Press, Ames, Iowa, USA.

Zamora, O. B. and E. L. Rosario. 1981. Physiological and morphological responses of sugarcane to some selected chemical ripeners. *Philippines J. Crop Sci.* 2 (3): 133-143.

Effect of chemical ripeners application on yield, quality and technological ripening of sugarcane (*Saccharum officinarum* L.)

Karmollachaab, A.¹, A. Bakhshandeh², M. R. MoradiTlavat³, F. Moradi⁴
and M. Shomeili⁵

ABSTRACT

Karmollachaab, A., A. Bakhshandeh, M. R. MoradiTlavat, F. Moradi and M. Shomeili. 2015. Effect of chemical ripeners application on yield, quality and technological ripening of sugarcane (*Saccharum officinarum* L.). **Iranian Journal of Crop Sciences**. 17(1): 63-73-(In Persian).

This study was performed at Khuzestan Sugarcane Development Company during 2013- 2014 on CP54-614 variety to evaluate the effect of chemical ripeners on yield and technological ripening at harvest time of sugarcane. A randomized complete block design with four replications was used where three chemical ripeners and untreated control were randomly distributed in plots. The chemical ripeners were Ethrel hormone, Glyphosate herbicide and Fitomas M growth regulator that four doses (0.5, 1, 1.5 and 2 l.ha⁻¹) for each. Results showed that different doses of glyphosate caused reduction of stalk height, invert sugar (%) and cane yield and increased brix, pol, recoverable sugar and fiber as compared to control. However, increase (%) in quality yield was more than decrease (%) in cane yield. Therefore, ethrel without decreasing cane yield led to increasing in pol and recoverable sugar in higher doses. On the other hand, Fitomas without increasing cane yield when compared to control led to decrease in pol (%). In conclusion, one liter of glyphosate, decreased cane yield (8%) and increased recoverable sugar (10.6%) and harvest index, and 1.5 liter of ethrel that increased pol (5.6%) were identified as suitable treatments.

Key words: Brix, Ethrel, Fitomas M, Invert sugar, Poland Sugarcane.

Received: February, 2014 Accepted: February, 2015

1- PhD Student, Ramin Agriculture and Natural Resources University of Khuzestan, Iran
(Corresponding author)(Email: azizchaab@gmail.com)

2- Professor, Ramin Agriculture and Natural Resources University, Khuzestan, Iran

3- Assistant Prof., Ramin Agriculture and Natural Resources University of Khuzestan, Iran

4- Assistant Prof., Agricultural Biotechnology Research Institute of Iran (ABRII), Karaj, Iran

5-Director of Agronomic Department of Sugarcane Research and Training Institute